

نگاهی به رسم ژاپنی «اُرابون» از دیدگاه فرهنگ ایران*

آغاز سخن، از مترجم

خوشتر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران گذشته تابناک ایران با رمز و راز بسیار بر وفق پهنشست این سرزمین می درخشد و هر روز فروغ و گیرایی بیشتر می نماید. کهنه شدن روزگار با همه جنگها و ویرانگریها و بیدادها و نامردمیها نتوانسته است این روشنایی را در غبار فراموشی ببوشد، چرا که به زوای سخن بلند پارسی «آفتاب را به گیل نتوان اندود». سالی نمی گذرد که جلوه ای تازه از شکوه و والایی فرهنگ و تمدن ایران باستان از میان برگهای گرد گرفته تاریخ جلوه گر نیاید. در گوشه و کنار جهان پژوهندگان آگاه دل که گوهر سخن و اندیشه ناب را بها می شناسند و تند باد رویدادها قلم و نگاهشان را هر روز به سویی تازه نمی گرداند و به مایه های فرهنگ و تاریخ ایران همچنان دل بسته اند، پویا و کوشا در پی دستاوردها و یافته های تازه اند. ژاپن همراه با پیشرفتهای چشمگیر و ستایش برانگیزش در روزگار نزدیک به ما، دانشی مردانی از این گونه پرورده، هر چند که شمارشان اندک است؛ و درینا که پسند روز و بازار و فریبایی رویدادهای گذرا و گرایش به زود برآمدن در جوانان می رود تا آینده را از اندیشه و روان ژرف بین کم بهره سازد. در این تنگنا، دانشی مردان راستین را باید پاس داشت. استاد ته ایچی ایموتو نمونه.

* دوستان تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران کم و بیش از تحقیقات ایران شناسان اروپایی و امریکایی آگاهی حاصل می کنند زیرا این دانشمندان مقاله های خود را به یکی از زبانهای اروپایی می نویسند. ولی از پژوهشهای ارجمند ایران شناسان ژاپنی، که پس از جنگ دوم جهانی گامهای بلندی در این راه برداشته اند، بسبب آن که ایشان مقاله های خود را بیشتر به زبان ژاپنی می نویسند، بسیار بسیار بندرت، کسی از هموطنان ما آگاه می گردد. مجله ایران شناسی برای جبران این نقیصه، به سهم خود ترجمه بعضی از این مقاله های تحقیقی را در اختیار علاقه مندان می گذارد.

دانشوران ایران‌شناس ژاپنی است که از آغاز پژوهش و کار دانشگاهی خود، با زبانها و فرهنگ ایران باستان پیمان مهر بسته و در گذر سالیان به این دلبستگی همواره افزوده و اکنون از آگاهان بنام فرهنگ و ادب ایران باستان است. حاصل این شور و تلاش کتابها و نوشته‌های فراوانی است که پیوسته مانند رودی روان و سرشار در دسترس پژوهندگان و ایران‌دوستان می‌آید و هریک سخنی تازه و پیامی دلنشین از یاد و یادگارهای ایران کهن دارد.

استاد ایموتو با پژوهش پیگیر و یافته‌های ارزنده خود تا کنون سرچشمهٔ بسرخسی از نمود و نمادهای تمدن انسانی را در گنجینهٔ فرهنگ ایران دریافته و شناسانده است، که در آن میان می‌توان از آمدن بسیاری از میوه‌ها و گیاههای زندگی بخش از ایران یاد کرد (دیده شود: برگردان فارسی مقالهٔ «ارمغان فرهنگ ایران به ژاپن...» در مجلهٔ آینده، سال دوازدهم، شماره‌های ۷-۸).

از نوشته‌های تازهٔ استاد ایموتو مقاله‌ای تحقیقی و کوتاه، اما بسیار گیرا و از نظر تاریخ و گسترهٔ فرهنگ ایران با اهمیت است در بارهٔ یکی از آیینها و جشنهای بزرگ مردم ژاپن بنام «(ئو)بون» یا «اورابون»، که آغاز و پیدایی آن از ایران و آمدن گروهی از ایرانیان به ژاپن در سدهٔ هفتم میلادی باز شناخته شده است، و با نوروز نیز پیوند دارد. هر ایرانی آزاده و روشن‌روان با خواندن این سخن به خود می‌بالد.

نوشتهٔ استاد ایموتو در شمارهٔ ماه هشتم سال ۱۹۸۹ مجلهٔ تحقیقی «کودای اورینت» آمده است. در برگردان فارسی آن یادداشتهایی برای آگاهی خوانندگان ایرانی افزوده‌ام. در این کار خانم نوریکو نی‌ئی یا یاریم داده و سپاسگزارم ساخته است.

باشد که این گفتار نیز راز جاودانگی فرهنگ ایران زمین را در گوش جانمان باز گوید:

گرچو فرهادم به تلخی جان برآید، باک نیست بس حکایت‌های شیرین باز می‌ماند ز من

هاشم رجب زاده

مهرماه ۱۳۶۸، اوساکا

اینک مقاله:

بنا بر آنچه که در «نیهون شوکی»^۱ آمده است، در ژاپن قدیم، دو آیین بودایی در سال برگزار می‌شد، که نخستین آن در روز چهار ماه چهارم سال - در روز میلاد بودا بود و دیگری در روز پانزده از ماه هفتم سال، که «اورابون» نام داشت. اما امروزه «اورابون» یا آیین «بون» را در روز ۱۵ ماه هشتم بر پا می‌دارند. در قدیم، جشن «تاناباتا»^۲ که روز ۷ از ماه هفتم برگزار می‌شد، و «اورابون» که در روز ۱۵ این ماه بود، با هم پیوند داشتند، «تاناباتا» پیش درآمد «اورابون» بود و به روایت افسانه‌های عامیانه، «پسر چوپان» و «دختر بافنده» فقط یک بار در سال با هم دیدار می‌کردند. و تاناباتا و

اورابون هم جشنواره‌های بودایی بود که یک بار در سال برگزار می‌شد. در این روزها، بسیاری مردم، از زن و مرد، با هم دیدار می‌کردند و وقتی خوش داشتند و ارواح نیاگان را که در این ایام به زمین می‌آمدند، خوشامد می‌گفتند. در این میان، شماری از این ارواح باستانی به رحم زنان راه می‌یافتند و آنها را باردار می‌کردند و از ثمره این پیوند، تا سال آینده نوزادانی از راه تناسخ پای به این جهان می‌نهادند. این آیین به ژاپنی «سویی سای» گفته می‌شد، که بمعنی «جشنواره ارواح باستانی» است.

بنا بر منابع شرق باستان، در روز اعتدال بهاری - در بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار^۳ - ارواح بسیار کسانی که دیرگاهی بود در گذشته‌اند، انجمن می‌شدند و سری به این دنیای خاکی می‌زدند و چند صباحی را با بازماندگانشان می‌گذرانند.^۴ فقط در این روز سال بود که زنان و مردانی که با هم آشنا نبودند در معبدها معاشر می‌شدند.^۵ چنان که هرودوت در تاریخ خود آورده است، این رسم را «زناشویی پنهانی» می‌گفتند، و ثمره این آمیزش یا فرزندان ارواح آسمانی، در شب یلدا^۶ از این زنان باردار به دنیا می‌آمدند.

در ایران باستان هم عقیده داشتند که بهنگام نو شدن سال، ارواح بسیاری از درگذشتگان قدیم به این دنیا می‌آیند و تا ده روز می‌مانند. می‌توان تصور کرد که زناشویی پنهان هم در این هنگام روی می‌داد. امروزه هم مردم ایران شب یلدا را که هنگام بدنی آمدن فرزند ثمره این عروسی پنهانی است جشن می‌گیرند.

در تاریخ باستان آمده است که در دوره امپراتوری ملکه «سایمی» (به کسره^۷)، در روز سوم از ماه هفتم سال ۶۵۷ میلادی چند زن و مرد از راه دریا با کشتی به کیوشو (جزیره جنوب غربی ژاپن) رسیدند، و سپس در روز ۱۵ این ماه در معبد بودایی «آسوکا» انگاره‌ای بودایی ساخته شد و در پیش آن اورابون را جشن گرفتند. «نیهون شوکی» می‌گوید که در روز ۱۶ ماه هفتم، یکی از این آمدگان بنام «توکووارا بیتو کنزو هشی داچیا»، که رهبر این گروه راه گم کردگان دریا بود، زنش را به گروگان در ژاپن سپرد و خود او و دیگر همراهانش باز گشتند.

«توکووارا» یا «دووارا» همان تحریف شده نام «دارا»ی ایرانی است. به هر روی، آنها «اورابون» را جشن گرفتند.

جزء «هشی» در نام «کنزو هشی داچیا» را در سده هفتم میلادی، ایرانیان «پارسیگ» تلفظ می‌کردند، که بمعنی «ایرانی» است. «کنزو» نیز در زبان ایرانی (میانه) بمعنی «هند» (خاستگاه بودا) بود. بر این قرار، «توکووارا بیتو کنزو هشی داچیا»، «دارای بودایی ایرانی» معنی می‌دهد.

در ژاپن باستان دو آیین یا جشنواره برای نیاگان باستانی بود؛ یکی برای ماه یکم و هفتم، و دیگری برای ماه هفتم و دوازدهم سال. در ایران باستان نیز عقیده داشتند که در نوروز و در آغاز پائیز (در دو موسم اعتدال بهاری و پائیزی)^۱، بسیاری از ارواح نیاگان به این دنیای خاکی، و به دیدار ما می‌آیند. در ژاپن، موسم «بون» در ماه هفتم سال، و نیز نوروز با آغاز سال، جشنواره دیدار ارواح است؛ و گفته‌اند که ارواح برای دو هفته در کنار ما در این جهان می‌مانند و سپس به عالم خود باز می‌گردند. پس، برای بدرقه کردن آنها جشنی می‌ساختند و آتش می‌افروختند. مردم (کسان و خانواده‌هایی که برای کار و زندگی از زادگاهشان دور شده بودند) از هر گوشه و کنار به خانه پدری باز می‌گشتند و در این هنگام، ماهی هدیه می‌بردند. در بیشتر جاهای ایران، ماهی خوراک هر روزه مردم نیست، اما فقط در نوروز یا شب عید است که همه ماهی می‌خورند. این رسم شاید که از ناحیه خزر یا آسیای میانه آمده باشد.

در ایران، با نزدیک آمدن نوروز، دانه‌های غله را می‌خیسانند و سبز می‌کنند، و در روز سیزده نوروز آن را همراه خود به بیرون شهر یا آبادی می‌برند و دور می‌اندازند. در چین نیز مردم در روز «تاناباتا» هفت گونه غله فراهم می‌کنند و می‌گذارند. در ژاپن، در نوروز، رسم پختن و خوردن «نانا کوسا» (هفت نوع سبزی) هنوز هست.^۱

ایرانیان قدیم دو نوبت جشن، یکی در آغاز بهار و دیگری در آغاز پائیز، برای الهه میترا داشتند، و می‌گفتند که در این دو موسم ارواح بسیاری از نیاگان به دیدار بازماندگان می‌آیند.

زرتشتیان عقیده دارند که پیامبر آنها در زندگیش این رسم طبیعت (بازگشت ارواح در موسمی از سال) را، که «آشوان» نامیده می‌شود، پذیرفت. این لفظ در فارسی باستان «آرتوان» تلفظ می‌شد. بنا بر سنگنبشته داریوش شاه هخامنشی، از آن پس بود که آدمی دارای «راستی» شد. «آرتوان» در لهجه شرق میانه ایران «اوراوان» شد، و در زبان سُغدی، «ارتائو فلاورتی» است که بمعنی «ارواح نیاگان که نیکو منش‌اند» می‌باشد. «اُوراوان» تلفظ فارسی «اورابون» است، و در لهجه شرق ایران این را «وون» تلفظ می‌کنند.

به این نتیجه می‌رسیم که «اُوراوان»، که تاکنون از اصل سانسکریت دانسته می‌شد، درست نیست، و ریشه کلمه «اورابون» از ایران است و جشن و آیین «اورابون» فقط متعلق به بوداییهای شمالی است.

یادداشتها:

۱ - «نیهون شوکی» (= نیهونگی) با تقویم تاریخی ژاپن، تاریخ مستند درباری ژاپن و مجموعه‌ای از روایات اساطیری درباره خدایان و امپراتوران ژاپن می‌باشد که بسال ۷۲۰ میلادی با الگو گرفتن از شیوه تاریخ نگاری رسمی چین فراهم آمد. بخش اخیر این مجموعه را تاریخ مدون و حقیقی دانسته‌اند.

۲ - جشن «تاناباتا» از افسانه دیدار یک بار در سال دو دل‌داده از ستارگان آسمان مایه می‌گیرد. این قصه که اصل چینی دارد از عشق میان یک پسر چوپان و یک دختر بافنده می‌گوید. این دو، در دوسوی «راه شیری» بسر می‌برند، و فقط در شب هفتم ماه هفتم سال می‌توانند بهم برسند. افسانه‌ای می‌گوید که دختر بافنده چنان سرگرم جامه بافتن برای کسان پادشاه آسمان بود که نمی‌توانست به تفریحی برسد. اما، سرانجام، پادشاه آسمان یا خداوند را به تنهایی او دل سوخت و او را به زنی به پسر چوپانی، که در آن سوی راه شیری، یا، به تعبیر ژاپنی، «رود شیری»، زندگی می‌کرد، داد. از آن پس، دختر در کارش کم کم سست شد، و خداوند که بخشم آمده بود، از او خواست که به این سوی راه شیری بیاید، و نیز به شوهرش فرمان داد که بیش از یک بار در سال با او دیدار نکند.

۳ - بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

(سعدی)

۴ - امروزه، اورابون را در روزهای ۱۳ تا ۱۶ ماه هشتم سال برگزار می‌کنند. این روزها را فرنگیان بیشتر «جشن فانوس» خوانده‌اند؛ اما بهتر است که «روز همه ارواح» گفته شود. در این روزها، ارواح نیاگان درگذشته به دیدن بازماندگان خود می‌آیند، و در هر خانه، محراب بودایی را که به احترام درگذشتگان هست، می‌آریند و روشن می‌کنند و میوه و خوردنیهای دیگر برای نیاز به ارواح در آن می‌گذارند. در پایان روزهای جشن، با افروختن فانوسهایی، و روان ساختن آنها در آب، ارواح میهمان را بدرقه می‌کنند.

۵ - به ژاپنی «گوکای».

۶ - به ژاپنی «توخی».

۷ - ملکه سایمی (سایمی یتویا امپراتور سایمی)، سی و هفتمین امپراتور ژاپن که میان سالهای ۶۵۵ تا ۶۶۱ فرمانروایی کرد. نام اصلی او هیتاراشی - هیمه بود و در سالهای ۶۴۲ تا ۶۴۴ هم با نام کوگیوکوتو فرمانروایی داشت. و باز در سن ۶۲ پس از مرگ برادرش کوئوکو امپراتوری یافت. او «ننگو» یا شیوه نامگذاری خاص برای سالها و دوره‌های چند ساله را که سلفش به تقلید چین آورده بود، برانداخت؛ کاخی در «اوکاموتو» (یاماتو) ساخت، که نخستین کاخی بود که بام سفالی داشت؛ و آب - نو - هیرافورا برای دست نشاندن کردن ایسو در ازو فرستاد. در دوره فرمانروایی او بود که، برای نخستین بار، جشن اموات (بن - ماتسوری) گرفته شد. پادشاهیهای «کوما» و «کودارا» که مورد حمله چینی‌ها واقع شده بودند (سال ۶۶۰)، از ژاپن کمک خواستند، ملکه لشکری فراهم آورد تا راهی کره شود، که ناگهان در آساکورا (چیکوزن) مرگش در رسید. (به نقل از «فرهنگ تاریخی و جغرافیایی ژاپن».)

Papinot, E., *Historical and Geographical Dictionary of Japan*; Charles E. Tuttel, Tokyo, 1972. pp. 527-28.

۸ - در ژاپن اعتدال بهاری و پائیزی (نوروز و مهرگان ما) هر دو را جشن می‌گیرند، که به آن «نو هیگان» می‌گویند.

۹ - ژاپنی‌ها در پائیز هفت گیاه و گل را آرایش می‌دهند، که به آن «هفت گیاه پائیزه» یا «هفت چین» می‌گویند؛ و در بهار هم هفت گیاه دیگر را می‌آریند، که اینها گیاه خوراکی است و رسم اخیرا «نانا کوسا» (هفت گیاه) می‌گویند. هفتمین روز سال را هم به این نام می‌خوانند. این رسم به روزگاری بازمی‌گردد که مردم، از کهنتر و مهتر، به دشت و دمن می‌رفتند تا هفت گیاه خوراکی بچینند. ژاپنی‌ها در این روز آشی از برنج و این هفت سبزی

می‌پزند و خوردن آن را برای تندرستی و آمد کارها در سال نو خوب می‌دانند (دیدہ شود: افزوده‌ها بر نوشتهٔ پروفیسور
 نه‌ایچی ای‌موتو، «ارمغان فرهنگ ایران به ژاپن در طبق انار و انگور»، در آینده، سال دوازدهم، ۸۷، ص.
 ۳۶۶-۳۵۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی